



## بررسی کاربردشناختی کارگفتها در رمان (معلق) عطیه خلیلی بر پایه نظریه اوستین

### الأفعال الكلامية في رواية (معلق) لـ عطية خلیلی

### دراسة تداولية في ضوء نظرية اوستین

جعفر عبد علي سلمان

أ.د. عقيل عبد الحسين محمد

جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

### الخلاصة

ان مشروع البحث الراهن يبحث في ضوء الدراسة التداولية (pragmatics) الأفعال الكلامية (Speech acts) في رواية (معلق) لـ عطية خلیلی وفق نظرية جون اوستین. مفاد هذه النظرية أن المتكلم ينجز عملاً أو حدثاً بقولٍ مأتعد الأفعال الكلامية من أهم موضوعات التداولية. تتحقق من خلال ربط الكلام بسياق معين ومعارف مشتركة تمثل أرضية الفهم المشترك بين المرسل والمرسل اليه وقصدية تسهم في فهم المعنى الثانوي الكامن وراء النص اللغوي وصولاً الى القوة الإنجازية. قد قام اوستین بتمييز صنف من الجمل ذات الصيغة الخبرية والإنشائية وبعد ذلك وسع المفهوم ليشمل الأفعال اللفظية و الإنجازية و التأثيرية. يسير الباحث وفق المنهج الوصفي - التحليلي في دراسة افعال الكلام في رواية إيرانية معاصرة إذ يستلزم هذا المنهج الوصف والتحليل لتقنيات استعمال افعال الكلام في ضوء نظرية جون اوستین. خلصت الدراسة الى أن افعال الكلام في الرواية كُتبت بأسلوب عامي، لذلك لعبت دوراً حيوياً في تطوير الشخصيات وتحريك الحكمة، إذ كانت تساهم بشكل كبير في بناء الشخصيات والعلاقات بينها و كانت تستخدم كأداة رئيسية لنقل الأفكار والمشاعر. الكلمات المفتاحية: التداولية، افعال الكلام، اوستین، معلق.

### Abstract

The current dissertation project examines, in light of the pragmatics study, speech acts in *Mua'llaka* a novel by Atiya Khalili, according to the theory of John Austin. The meaning of this theory is that the speaker accomplishes an action or event by saying something, that is to say in an oral manner. This is normally achieved by linking speech to a specific context and common knowledge that represents the basis of common understanding between the sender and the addressee, and an intention that contributes to understanding the secondary meaning behind the linguistic text, leading to the achievement power. Austin distinguished a class of sentences with declarative and constructional forms, and then expanded the concept to include verbal, accretive, and affective verbs. The researcher follows the descriptive-analytical approach in studying speech acts in contemporary Iranian novels, as this approach requires description and analysis of the techniques for using speech acts in light of the theory of John Austin. The study concludes that the speech acts in the novel are written in a colloquial style, so they played a vital role in developing the characters and moving the plot, as they contribute greatly to building the characters and the relationships between them, and are used as a main tool for conveying ideas and feelings.

Keywords: pragmatics, speech acts, Austin, commentator.

**چکیده** پروژه پژوهش حاضر در پایه مطالعه کاربردشناسی (pragmatics) به بررسی افعال گفتاری (Speech acts) در رمان «معلق» نوشته عطیه خلیلی بر اساس نظریه های جان آستین می پردازد. معنای این نظریه این است که گوینده با گفتن چیزی، عملی یا رویدادی را انجام می دهد. کنش های گفتاری یکی از مهم ترین موضوعات کاربردشناسی هستند. این کنش ها از راه پیوند گفتار با یک زمینه خاص و دانش های مشترک که زمینه درک مشترک بین فرستنده و گیرنده را تشکیل می دهند و قصدی که به درک معنای ثانویه پنهان در پشت متن زبانی کمک می کند، تحقق می یابند. اوستین نوعی از جملات خبری و انشایی را تمییز داد و سپس مفهوم را گسترش داد تا شامل افعال لفظی، اجرایی و تأثیری شود. پژوهش

حاضر بر اساس منهج توصیفی-تحلیلی، پژوهشگر در مطالعه کنش‌های گفتار در یک رمان معاصر ایرانی عمل می‌کند. این منهج نیازمند توصیف و تحلیل تکنیک‌های استفاده از کنش‌های گفتار است، با توجه به نظریه جان آستین. مطالعه به این نتیجه رسید که کنش‌های گفتار در رمان به سبک عامیانه نوشته شده‌اند، بنابراین نقش حیاتی در توسعه شخصیت‌ها و پیشبرد طرح رمان ایفا کرده‌اند. این کنش‌ها به طور قابل توجهی در ساخت شخصیت‌ها و روابط بین آن‌ها مشارکت داشته و به عنوان ابزار اصلی برای انتقال افکار و احساسات استفاده شده‌اند. کلمات کلیدی: کاربردشناسی، کنش‌های گفتاری، اوستین، معلق.

**پیشگفتار** کاربردشناسی روشی است که به بررسی زبان در حال کاربرد یا در حال ارتباط می‌پردازد؛ زیرا اشاره می‌کند که معنا تنها به عنوان چیزی ریشه‌دار در خود کلمات نیست که فقط در کلمات نهفته باشد و تنها به متکلم یا به شنونده پیوند ندارد. ساختن معنا در کاربردشناسی زبان میان گوینده و شنونده در یک زمینه خاص نمایان می‌شود... تا رسیدن به معنای کامل در یک بافت (مادی، اجتماعی و زبانی) است. به منظور رسیدن به معنای نهفته در کلام. پژوهشگر موضوع تحقیق خود را به مطالعه افعال گفتاری در رمان «معلق» اثر عطیه خلیلی بر پایه نظریه آستین اختصاص داده است. انتخاب این موضوع به دلیل ارزش علمی آن در معرفی پژوهشگران به طور کلی به کاربردشناسی و به طور خاص به کنش‌های گفتار بوده است. پژوهشگر برخی از نمونه‌ها را در رمان تحلیل کرده است تا به عمق معنای کاربردشناسی و ابهام‌های نهفته در متن پی ببرد.

**روش پژوهش** پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، صورت گرفته است و تطبیق و بررسی کارگفت‌ها بر طبق نظریه (جون اوستین) نشان‌دهنده می‌شود.

#### بررسی‌های پژوهش

- آیا کنش‌های گفتار نقشی در جهت دهی هدفمندی گفتمان رمان دارند؟

- آیا کنش‌های گفتار بر رمان تسلط یافتند یا در گوشه و کنار گفتمان رمان قرار گرفتند؟

#### پیشینه پژوهش

نیز در مورد کنش‌های گفتار پژوهش‌های صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: مهدی رجبزاده و همکاران در مقاله (تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا (علیه السلام) بر پایه نظریه کنش گفتار) به این نتیجه رسیدند که: کنش‌های اظهاری، کنش‌های غالب گفتاری در نخستین بخش زیارت‌نامه است که فراوانی بالای آنها به دلیل اراده زائر بر بیان مجدد اصول اعتقادی خویش و تکرار و یادآوری آنها در محضر خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد.

-سید عبد المجید طباطبایی لطفی و طاهره قاسمی (بررسی طبقه‌بندی خطب‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه کنش گفتاری) آنها کنش‌های گفتاری را بر اساس نظریه آستین و سرل مطالعه کردند، و به این نتیجه رسیدند که: گاهی خطبه‌ای با کنش گفتاری اخباری ادامه پیدا کرده است. امام علی (علیه السلام) بیشتر با استفاده از این کنش، به توصیف آفرینش آسمان، زمین، فرشتگان و انسان و نیز فلسفه بعثت پیامبران پرداخته‌اند.

#### زندگی‌نامه عطیه خلیلی و آثار ادبی آن

از راه مصاحبه با خود نویسنده، این زندگی‌نامه را به بنده ایراد کرد. نویسنده خانم عطیه خلیلی در سال ۱۳۸۱/۱۲/۱۵ ه.ش در تهران متولد شد. عطیه از بچگی علاقه زیادی به نویسندگی داشت که در ۱۸ سالگی تصمیم گرفت برای اولین بار کتابی برای او منتشر کند. عطیه در سال ۱۳۹۹ مجوز انتشار اولین کتاب را گرفت و در سال ۱۴۰۰ اولین کتاب به نام رمان معلق منتشر شد و کتاب دوم (آغاز یک معراج پرواز یک پرنده) را فقط به صورت آنلاین منتشر کرد هنوز چاپ نشده است در واقع عطیه فقط یک کتاب چاپ شده دارد که همان معلق است. اکنون عطیه ۲۰ سال دارد و ساکن تهران است.

#### شخصیت‌های رمان (معلق)

۱- رها سلیمانی ← شخصیت اصلی رمان

۲- امیرحسین فرهاد جو ← شوهر رها

۳- عاقد ← عاقد ازدواج

۴- علی سلیمانی ← پدر رها

۵- مهناز ← مادر رها

- ۶- نیما ← پسر برادر علی سلیمانی
- ۷- امید ← برادر امیرحسین فرهاد جو
- ۸- رضا ← پدر نیما و برادر علی سلیمانی
- ۹- فریده ← همسر رضا و مادر نیما
- ۱۰- فرهاد ← پدر امیرحسین
- ۱۱- کتابون ← مادر امیرحسین
- ۱۲- دکتر ← دکتر زایمان
- ۱۳- معمارزاده ← دکتر سونوگرافی
- ۱۴- کسرا ← دوست نیما
- ۱۵- رجبی ← صاحب مغازه عطاری
- ۱۶- فیضی ← وکیل رها
- ۱۷- قاضی ← قاضی دادگاه
- ۱۸- رهام ← پسر رها و امیر
- ۱۹- پرستار ← پرستار رها
- ۲۰- ابو الفضل ← کارگرد در ساختمان
- ۲۱- سرگرد ← رئیس کلانتری
- ۲۲- فتحی ← سرباز در کلانتری

**خلاصه‌ی زمان (معلق) رها** سلیمانی تنهاترین فرزند خانواده‌اش بود که در شمال تهران زندگی می‌کرد. مادرش مهناز و پدرش علی خیلی به او بی توجهی می‌کردند در حدی که یک مدتی باعث افسردگی شده بود و خیلی طول می‌کشید تا متوجه می‌شوند و به جای اینکه او را درک کنند به مشاوره می‌فرستند. در ۱۹ سالگی دانشگاه را تمام کرد و برای فرار از تنهایی تصمیم گرفت که برود کار کند و بعد از مشورت او با خانواده، پدرش از پسرعمویش خواست که برایش کار پیدا کند، نیما پسر عموی رها که قرار بود از کار در ساختمان پدر و عموی رها جدا شود و بوتیکی باز کند، رها را بعنوان فروشنده استخدام کرد. یک ماه از کار کردن رها در بوتیک می‌گذرد که یک روز شخصی به نام کسری سراخ نیما را از رها می‌گیرد و از او می‌خواهد که فوراً پاکتی را به دست نیما برساند چون خطری نیما را تهدید میکند. رها قبول می‌کند و به دنبال پسر عمویش (نیما) در ساختمان نیمه کاره میرود و پاکت را می‌رساند اما پسر عمویش بعد از خواندن نامه از او درخواست می‌کند که این پاکت را به عطاری برساند، رها چون دیر وقت بود قبول نمی‌کند و بعد از اصرار و التماس از نیما، قبول می‌کند و پاکتی که در آن قرص بود آن را به عطاری آقای مسنی به نام آقای رجبی می‌رساند. بعد از آن روز چندین بار از رها در خواست می‌کنند که این کار را بکند و در مقابل به حقوقش اضافه کنند تا این که یک روز به سمت عطاری می‌رود و می‌بیند که پلمپ شده و وقتی از همسایه‌ها می‌پرسد می‌فهمد که بخاطر فروش مواد مخدر بوده و در همان لحظه یک مامور زن دست او را می‌گیرد و می‌گوید شما بازداشتید، وقتی رها می‌پرسد که به جرمی؟ به او می‌گوید: به جرم توزیع مواد مخدر! در همان لحظه متوجه می‌شود که بازی چه پسر عمویش و دوستش شده بود. خانواده رها وقتی از بازداشت رها باخبر می‌شوند، برای او وکیل می‌گیرند اما هیچ دلیلی بر علیه پسرعمویش نداشتند. قاضی حکم توزیع قرص ترامادول را بر علیه رها صادر کرد و مجازات او ۸۰ تا ضربه شلاق و سی و دو میلیون جریمه شد که پدرش فقط فقط برای حفظ ابروش رها را از بازداشتگاه بیرون می‌آورد و بعد از آن روز رها به مدت یک سال به افسردگی شدیدی مبتلی می‌شود که خانواده‌اش با قرص و آمپول آرومیش می‌کردند که مشکلات را فراموش کند. دو سال بعد از گذشت مشکل رها امیر به خواستگاری رها می‌آید و رها با اصرار مادر و پدرش ازدواج می‌کند، پنج سال بعد از ازدواج رها و امیر، رها باردار می‌شود. اما دکتر از او می‌خواهد که سونوگرافی فوق تخصص انجام دهد چون احتمال بود بچه ناقص بدنیا بیاید وقتی رها و امیر جواب سونوگرافی را برای دکتر می‌آورند متوجه می‌شوند که بچه ناقص است. دلیل آن مصرف بیش از حد قرص و آمپول آرامبخش بوده است. دکتر از آن‌ها می‌خواهد تصمیم بگیرند بچه را سقط کنند و احتمال بود که بعد از آن بچه دار نشوند. امیر و پدرش با فهمیدن این موضوع خیلی عصبانی می‌شوند و تامدتی با رها حرف نمی‌زنند. در نهایت بعد از کلی مشورت و اختلاف بین امیر و رها بچه را سقط می‌کنند، بعد از گذشت این حادثه رها خیلی از امیر و خانواده‌اش

حرف می‌شنود. ولی همیشه به آن‌ها حق می‌داد چون خود را مقصر می‌دانست که اگر آن روز از موضوع قرص‌ها غافل نمی‌شد حال او اینطور نبود رها تصمیم می‌گیرد مشکلی که قبلاً برایش اتفاق افتاده را برای امیر تعریف کند به شرطی که او را درک کند و وقتی برایش تعریف می‌کند امیر حرف‌های رها را باور می‌کند... یک سال بعد از سقط جنین خوشبختانه رها دوباره باردار می‌شود اما دکتر به او می‌گوید با به دنیا آمدن بچه فقط ۵۰٪ احتمال دارد که او زنده بماند، اما رها این موضوع را از امیر پنهان می‌کند. تا با این کار اشتباهاتش را برای امیر جبران کند... وقتی روز زایمان میرسد مادر امیر (کتایون خانم) و (علی پدر رها) و (مهناز) مادر رها همراه رها برای زایمان به بیمارستان می‌روند و امیر رها را با صندلی چرخدار همراه پرستار به اتاق زایمان می‌رسانند و امیر از رها درخواست می‌کند که لبخند بزند و رها برای آخرین بار لبخندی می‌زند و از امیر خداحافظی می‌کند...

### پیدایش کاربردشناسی

از آنجایی که ما به اصطلاح کاربردشناسی که باعث پیدایش حوزه‌ای خاص در مطالعه زبان بود علاقه خاصی داریم، جالب است که بدانیم این اصطلاح ابتدا در کار یکی از پیشگامان پوزیتیویست‌های منطقی به نام رودولف کارنپ بکار رفت و کشف شد. کارنپ در کار بعدی خود تحقیق‌های مفصل درباره‌ی ساختار زبان انجام داد. او مانند دیگر پوزیتیویست‌ها نسبت به این که تغییرات زبان طبیعی همواره قابلیت بازبینی و تجزیه نظام‌مند را داشته باشد بدبین بود؛ احساسی که می‌توانست در اختلاف با پیشرفت‌های بعدی زبان‌شناسی صوری قرار بگیرد: «نتیجه‌ی نقصان و غیر نظام‌مندی منطقی ساختار زبان‌های طبیعی گفتاری (مانند زبان آلمانی یا لاتین) این است که بیان قواعد صوری شکل‌گیری و دگرگونی آن زبان‌ها می‌تواند چنان پیچیده شود که در عمل بسختی محتمل و شدنی باشد» (ر. ک، چپمن، ۱۳۹۸: ۹۸) «کارنپ ۱ اذعان داشت که برای تبیین کامل هر زبان بایستی به کسانی توجه کرد که آن زبان را بکار می‌برند. کاربردشناسی برای کارنپ پرداختن به هر حوزه‌ای بود که ارجاع صریح به سخنگو، یا کلی‌تر، به حوزه‌ای داشت که نگاهش معطوف به کاربرد زبان است» (همان: ۹۸-۹۹).

۱- Rudolf Carnap.

یکی از گرایش‌های جدید در فلسفه و برجسته‌ترین گرایش در توسعه کاربردشناسی، در پاسخ به پوزیتیویسم منطقی، فلسفه زبان عادی است. پیشگام این گرایش فیلسوف آکسفورد (جی. آل. آستین) کسی بود که فلسفه زبان عادی را سرلوحه فلسفه‌ها قرارداد، زیرا این فلسفه برای یک دهه یا بیشتر پس از جنگ جهانی دوم در دانشگاه آکسفورد مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین از جمله همکاران آستین که در موقعیت خود مهم بودند می‌توان به پی. اف. آستراسون، پل گرایس، جافری وارناک و جی. او. اورمسون اشاره کرد. بخصوص نظریه‌هایی که آستین و گرایس ساخته و پرداخته کردند، امروزه برای کاربردشناسی جایگاه و اهمیتی بنیادی دارند (ر. ک، چپمن، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۱۰۴). واژه کاربردشناسی، برای توصیف زمینه جداگانه مطالعاتی، همانند نحو و معنی‌شناسی کاربرد داشت، آغاز به کارگیری این واژه از دهه ۱۹۷۰ بود، در این دوره، که توسط فلاسفه‌ای که با زبان رسمی سروکار داشتند، به شیوه‌های مختلف به کار گرفته می‌شد. طبق نظریه معنی‌شناس صورت‌گرا، مونتآگیو، نویسنده اواخر دهه ۱۹۶۰ و به تبع او بارهیلل ۶ فیلسوف و زبان‌شناس که همین اصطلاح را در دهه ۱۹۵۰ به کار می‌برد، کاربردشناسی، مطالعه زبان، شامل عناصر موقعیتی و شاخص‌ها بود. براساس مشاهدات لوینسون، این توصیف همه زبان‌های طبیعی را موضوع مطالعه کاربردشناسی قرار می‌دهد، زیرا همه زبان‌ها دارای عناصر موقعیتی و شاخص‌ها هستند. از دهه ۱۹۷۰، جنبه صورت‌بنیان پدیده‌هایی از قبیل (ضمنی‌های کمیتی ۷)، پیش‌انگاری و ضمنی‌های قراردادی، مورد توجه و علاقه بسیاری از نظریه‌پردازان واقع شد. این رویکرد، با عنوان (کاربردشناسی صورت‌گرا ۸) شناخته می‌شود و با رویکردهای پویا در زمینه معنی‌شناسی، همچون (نظریه بازنمایی گفتمان ۹)، ارتباط دارد. (ر. ک، الوت، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۰) «کاربرد جدید اصطلاح کاربردشناسی، در اواخر دهه ۱۹۶۰، در فلسفه پدید آمد. طبق تعریف مقاله کاربردشناسی استالناکر ۱۰ (۱۹۷۰)، کاربردشناسی، مطالعه تعاملات زبان‌شناختی و بافت‌هایی است که بستر وقوع این تعاملات هستند. این تعریف، برای استالناکر، محدود به مطالعه (گزاره‌های منطقی ۱۱) (قضیه‌ها) بوده است» (همان، ۲۹)

J. L. Austin.

9. discourse representation theory .۱

2. P. F. Strawson.

10. Robert Stalnaker.

3. Paul Grice.

11. Propositions.

4. Geoffrey Warnock.

5. J. o. Urmson.

6. Yehoshua Bar-Hillel.

7. scalar implicatures.

8. formal pragmatics.

بدین ترتیب کاربردشناسی به رشد خود بعنوان یک رشته‌ی علمی و دانشگاهی ادامه داد. تا دهه‌ی ۱۹۸۰ اگر در کتاب‌های درسی مربوط به زبان‌شناسی عمومی به کاربردشناسی به صورت مجزا نمی‌پرداختند حداقل بارها به آثاری متأثر از کاربردشناسی اشاره می‌کردند و در واقع پس از آن بود که گروه‌های زبان‌شناسی در دانشگاه‌ها آموزش کاربردشناسی را آغاز کردند؛ و این چنین، رشته‌ی کاربردشناسی در مرکز توجه گسترده‌تری قرار گرفت، و مطالعه‌ی درباره‌ی جهت‌های مختلف و متعدد زبان و مسأله‌ی بافت و ارتباط را دربر گرفت. هدف بنیان‌گذاری انجمن کاربردشناسی بین‌المللی در سال ۱۹۸۶ این بود که حوزه‌ی پژوهشی کاربردشناسی را گسترده‌ترین مفهوم آن با رویکردی میان‌رشته‌ای ۱ نمایندگی و بازنمایی کند و به مسأله‌ی زبان و ارتباط از چشم‌اندازی نقش‌گرا بنگرد (ر. ک، چپمن، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

نظریه‌ی کارگفت‌ها (Speech Act Theory).

«اصطلاح کنش‌گفتاری یا کارگفت‌ها از اصطلاحات زبان‌شناسی و فلسفه‌ی زبان است. کنش‌گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد». (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱) ترجمه اصطلاح (action act) به کنش‌گفتاری به معنای صریح یا دستوری نیست، بلکه به معنای عام فعل است. معنای کلی و معنای دستوری را نشان می‌دهد. (فاروق، ۲۰۱۹: ۱۷) «نظریه‌ای که در آن پاره‌های زبانی به مثابه واحدهای کاربردی و ارتباطی زبان بررسی می‌شود» (محمودزاده، ۱۳۹۴: ۹۹) این نظریه را نخست از سوی جان لنگشاو آستین، یکی از فیلسوفان آکسفورد، مطرح کرد، و در سخنرانی‌های وی به سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد معرفی شد و بیست سال بعد به چاپ رسید. (ر. ک، صفوی، ۱۴۰۱: ۱۷۳)

۱. Interdisciplinary.

«دلیل آن که آستین کاربرد زبان را زنجیره‌ای از گفتارهای کنش‌گونه یا کارگفت‌ها توصیف می‌کرد ناخشنودی از چیزی بود که او آن را (مغالطه‌ی توصیفی) می‌نامید؛ یعنی آنچه که معتقد بود در میان بسیاری از فیلسوفان زبان‌پژوه هم‌روزگارش رایج است. او اعتقاد راسخ داشت که آن فیلسوفان بیش از حد بر ابزاری بودن زبان تاکید کرده‌اند و گویی که زبان صرفاً ابزاری برای توصیف، یا گزاره‌سازی و تقریر چگونگی اشیاء در جهان است». (چپمن، ۱۳۹۸: ۱۱۱) اغلب فیلسوفان تحلیلی در دوره‌ی اصلی گمان می‌کردند که کار اصلی زبان این است که واقعیتی را -صادق یا کاذب- توصیف کند. آستین تلقی یاد شده از زبان را انکار کرد و به نحو تأثیرگذاری نشان داد که نقش زبان صرفاً تعیین صدق یا کذب جملات نیست و جملات خبری تنها جملات معنی‌دار زبانی نیستند، بلکه با زبان افعال متنوع و بسیاری می‌توان انجام داد. آستین نخستین فیلسوفی بود که بیان کرد در میان اظهارات زبانی طبقه‌ی مهمی وجود دارد که دارای صورت جمله‌های خبری‌اند، با این حال، نه صادق‌اند و نه کاذب، زیرا قصد گوینده از ادای این جملات توصیف وضع و حال و یا واقعیتی نیست، بلکه انجام یک فعل به وسیله‌ی همین جملات است، برای مثال اگر کسی بگوید «قول می‌دهد که شما را ببینیم» قصد او از این جمله‌ی خبری توصیف وعده و یا حکایت از وعده نیست، بلکه به همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقیق می‌بخشد. (ر. ک، سرل، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹). نتیجه‌ای که آستین از بررسی این مورد گرفت این بود که هر اظهاری نوعی فعل‌گفتاری است. ۱. این چنین بود که آستین به نظریه‌ی افعال گفتار ۲ دست یافت و آن را برای نخستین بار به عنوان یک نظریه‌ی فلسفی عرضه کرد. بعضی تذکر داده‌اند که مقاله‌ی درباره‌ی حکایت [= (1950) on referring] استراسن، نخستین نوشته‌ای است که درباره‌ی افعال گفتاری منتشر شده است و میتوان آن را آغاز مطالعه و تحقیق درباره‌ی افعال گفتاری دانست ... به عباره دیگر، استراسن پیش از آستین به اهمیت افعال گفتاری توجه داده، بلکه تنسيق و تنظیم آن به عنوان یک نظریه‌ی فلسفی کار آستین است، بنابراین، وی، به معنای واقعی کلمه، مؤسس و بنیان‌گزار نظریه‌ی افعال گفتاری است. (ر. ک، همان: ۳۲)

۱. برای تفصیل بیشتر نک

Searle, 'Austin', in, Martinich A. P. and Sosa David (eds.), A Companion To Analytic philosophy, p. 220:

Searle, 'Austin on Locutionary and Illocutionary Acts', in, Rosenberg and Travis (eds.), Readings in the philosophy of Language, p. 262.

2. speech acts.

طراح اصلی این نظریه کارگفت ۱، جان لانگ شاو آستین ۲، از فیلسوفان مکتب آکسفورد، در سخنرانیهایش در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد معرفی کرد؛ و بیست سال بعد، این نظریه به چاپ رسید. آستین، اولین کسی بود که توصیف نظام‌مند را از کاربرد زبان عرضه کرد. او نظریه کنش‌گفتار را در واکنش به سه اصل مطرح کرد که در میان منطق دانان اثبات‌گرا، مبنای بررسی معنی بود. این سه اصل عبارت‌اند از: نخست اینکه جملات خبری گونه اصلی جملات زبان هستند؛ دوم اینکه کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است و سوم اینکه صدق و کذب معنای جملات زبانی را می‌توان تعیین کرد. (ر.ک، صفوی، ۱۳۹۴: ۱۵۵) آستین با دیدگاه کاربرد گرایانه خویش با رد تقسیم بندی پوزیتیویست‌های منطقی از زبان اعلام کرد که نخست نقش زبان صرفاً تعیین صدق یا کذب جملات نیست و دوم جملات خبری تنها جملات معنی دار زبانی نیستند و حتی از میان جملاتی که اصطلاحاً خبری نامیده می‌شوند نیز گروهی وجود دارند که صورت جملات خبری را دارند اما صادق یا کاذب نیستند، چون گوینده در این اظهارات، وضعیت و حالتی را توصیف نمی‌کند بلکه با این اظهارات در واقع فعلی را انجام می‌دهد. مانند اگر من بگویم (قول می‌دهم بیایم و تو را ببینم)، در شرایط مناسب، وعده‌ها را توصیف نمی‌کنم بلکه دارم وعده‌ها می‌دهم. از نظر آستین، اظهار جمله به انجام یک فعل کمک می‌کند نه به توصیف چیزی. (ر.ک، سرل، ۱۳۸۷: ۲۹)

1. John Langshaw Austin.

2. Harvard University.

3. logical positivists.

از نظر او ۱، اظهارات سخنگویان زبان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) اظهارات انشایی ۲

ب) اظهارات اخباری ۳

اظهارات انشایی به سه وجه از اظهارات اخباری متمایز می‌شوند.

۱. اظهارات اخباری صدق و کذب پذیرند؛ اما اظهارات اجرایی یا انشایی صدق و کذب پذیر نبوده و متناسب یا نامتناسبند؛ مانند جمله (باران می‌بارد) قابل تصدیق یا تکذیبند؛ اما جمله (قول می‌دهم که شما را ببینم) قابل تصدیق یا تکذیب نیست، بلکه متناسب یا نامتناسب است. بنابراین، معیارهای ارزیابی اظهارات اخباری، صدق و کذب است، معیار ارزیابی جمله‌های اجرایی تناسب و عدم تناسب است. اگر اظهارات اجرایی طبق شرایط و قواعد لازم برای انجام یک فعل و تحقیق یک اجرا صورت گیرد، متناسب و تام است، در غیر این صورت، نامتناسب و ناقص است.

۲. معمولاً در اظهارات اجرایی از افعال خاصی مانند قول دادن، اعلام کردن، اخطار کردن، نامگذاری و عذرخواهی کردن استفاده می‌شود؛ مانند "من وعده می‌دهم... " یا "من این فرزندم را... می‌نامم". اما در گزاره‌های اخباری غالباً از فعل توصیفی و ایستا استفاده می‌شود؛ برای مثال در جمله (آسمان ابی است) یا (هوا سرد است).

۳. اظهارات انشایی از مقوله عمل یا فعل‌اند، در حالی که اظهارات اخباری گزاره یا توصیف یک واقعیت هستند. گوینده در اظهارات انشایی به وسیله نفس اظهار، فعلی را انجام می‌دهد. (ر.ک، سرل، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱)

1. Austin, J. L., How To Do Things With Words, p.3.

2. performative utterance.

3. constative utterance.

انواع کنش‌های گفتار از دیدگاه آستین

به اعتقاد آستین در هر کنش گفتار سه بعد متفاوت قابل تشخیص است که عبارتند از: کنش بیانی (Locutionary Act)، کنش غیر بیانی (Illocutionary Act) و کنش تأثیری (Per locutionary Act). در سطح اول (کنش بیانی)، گوینده واژه‌های را ظاهر می‌کند که معنای خاصی دارند. در سطح دوم (کنش غیر بیانی)، گوینده واژه‌ها را برای افاده بار خاصی به‌کار می‌گیرد و در سطح سوم (کنش تأثیری)، گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود عکس العمل و تأثیری پدید می‌آورد. (ر.ک، سرل، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳) به اعتقاد وی محور تحلیل در نظریه افعال گفتاری، کنش غیر بیانی است و نه کنش تأثیری؛ بنابراین، به‌طور جدی بین کنش بیانی و کنش تأثیری تمایز قائل می‌شود که مورد تأیید فیلسوفان تحلیلی پس از او نیز بوده‌است؛ اما تمایزی که وی بین کنش بیانی و غیر بیانی قائل شده از جانب بعضی از فیلسوفان از جمله سرل، نقد



"مامان\_ آبی که ریخته شده رو همیشه جمعش کرد دخترم" (همان منبع: ۸) بر اساس این جمله خبری، مادر به دخترش می‌گوید و برای او تعریف می‌کند که نمی‌توان آب ریخته شده را جمع کرد و این توصیف به این معناست که مادر می‌خواهد دخترش گذشته را فراموش کند و مشکلاتی را که در گذشته برایش اتفاق افتاده رها و به حال فکر کند و با امیر ازدواج کند. این نشان دهنده آن است که یک فرد نمی‌تواند به عقب برگردد و مشکلاتی را که برایش پیش آمده اصلاح کند، بلکه باید به جلو حرکت کند و در زمان حال زندگی کند. در نتیجه جمله عین دنیای خارج و صحیح است. به این دلیل که جمله اخباری به شکلی خاص برای بیان مشکلاتی که او در معرض آن قرار گرفته، گفته شد. زیرا مشکلات گذشته او اصلاح نشده است، و همانطور که آب ریخته شده به همان ظرف باز نمی‌گردد.

"بالاخره ابر پشت ماه نیمونه." (همان منبع: ۱۴) این جمله از افعال اخباری وصفی محسوب می‌شود، به این معناست که دروغ ادامه نمی‌یابد، زیرا طناب دروغ کوتاه است و ادامه نمی‌یابد، او رازی را از امیر شوهرش پنهان می‌کند که در گذشته برایش اتفاق افتاده است. او می‌ترسد که حقیقت فاش شود یا امیر از دیگری بشنود. مسأله بر سر این است که ابرها حرکت می‌کنند و ثابت نمی‌ایستند. در حرکت خود از ماه دور می‌شوند و ماهیت آنها آشکار می‌شود و همانطور که رها موضوع را اینگونه توصیف می‌کند که امیر بالاخره از ماجرا باخبر می‌شود. وقتی این جمله با دنیای خارج مطابقت دارد، صحیح است.

"راست میگه بابات ساعت یک کجا میخواین برین؟" (خلیلی، ۱۹: ۱۴۰۰) قطعا این جمله از نظر اتفاقات رمان درست است. قطعا آن است که امیر و همسرش به خانه پدر همسرش آمدند و تا ساعت یک نصف شب ماندند. زمانی که می‌خواستند به خانه خود بروند چون امیر فردای آن شب در صبح زود کار داشت و مادر و پدر از دخترشان و همسرش چون دیر وقت بود خواستند که آن شب را در خانه آن‌ها بمانند و در نتیجه قطعا زمان شب بود پس این جمله خبری درست است.

"هنوز وقتی یادم می‌یوفته که مسبب همه بلاهایی که سرم آمده باعثش نیما لرزه به تنم می‌یوفته... " (همان منبع: ۲۲) در این جمله خبری که رها می‌گوید درست است و او راست می‌گوید. قطعا پسر عمیش نیما او کسی است که باعث شد این مشکلات برای رها اتفاق بیفتد به همین دلیل است که رها نخواست پیامکی که پسر عمیش برایش فرستاده بود را پاسخ بدهد از این عبارت خبری نتیجه می‌گیریم که رها از پسر عمیش نمی‌ترسد بلکه چون پسر عمیش که از گوشت و خونس است برای او مشکلاتی بوجود آورد که غیر قابل توقع او بود. پس این جمله صدق است و مطابقت دارد.

"چه بارون خوبیم داره میاد" (همان منبع: ۲۶) این جمله درست است، زیرا رها و امیر به شمال سفر می‌کردند، بنابراین، شمال ایران با هوای سرد، باران فراوان و هوای پاک متمایز است، بنابراین به دلیل در دسترس بودن مدارک لازم این جمله صادق است. اظهارات انشایی performative (utterance) اظهارات زبانی که یکی از انواع مهم آن به‌شمار می‌رود، اظهارات انشایی است و آستین (۱۹۶۲) آن را معرفی کرده است. وی بیان می‌کند که زبان تنها برای اطلاع رسانی و گزارش و انتقال وقایع به کار نمی‌رود و ارزش صدق بسیاری از جملات زبان، تعیین کردنی نیست. چون گوینده در این اظهارات وضعیت و حالتی را توصیف نمی‌کند، بلکه با این اظهارات در واقع فعلی را انجام می‌دهد. آستین این سنخ اظهارات را اظهارات انشایی نامید. (ر. ک، لطفی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵) بررسی کنش‌های گفتاری انشایی در برخی از نمونه‌های رمان معلق بر طبق دیدگاه آستین. "عاقده-سرکار آقای علی سلیمانی آیا به بنده وکالت می‌دهید که دختر شما دوشیزه خانم رها سلیمانی را با آقای امیر حسین فرهاد جو را بخوانم؟ بابا-بله بفرمایید عاقده-جناب آقای امیر حسین فرهاد جو آیا از طرف شما وکالت دارم، خانم رها سلیمانی را با مهریه ۶۰۰ تا سکه بهار آزادی و ۱۱۴ تا شاخه گل روز و شرایط ذکر شده و مورد توافق طرفین را اجرا و منعقد نمایم؟ امیر- بله بفرمایید." (خلیلی، ۱۴۰۰: ۶) در گفتگوی بالا با بیان لفظ (بله) عمل (ازدواج) انجام شده است. به عبارت دیگر، می‌توان عبارت (بله) از زمره عبارات‌ها قرارداد که صرف ذکر آن در موقعیت‌های یاد شده، مساوی با شکل‌گیری کنش است. بنابراین، پس از جاری شدن صیغه عقد میان عروس و داماد، حقوق و تکالیف طرفینی وضع می‌شود. در نتیجه، از آنجایی که این کلمه در یک واقعه عرفی قابل قبول (ازدواج) گفته شده است و می‌توان طرفین به انجام فعل و انطباق با شرایط کارایی هستند، مناسب است.

"رها ازدواج کن دخترم؛..." (خلیلی، ۱۴۰۰: ۷) در جمله بالا مادر به دخترش توصیه می‌کند که ازدواج کند. این اظهار انشایی نامناسب است و بنابراین او صلاحیت اجرای این روش را ندارد. در جمله بالا مادر به دخترش توصیه می‌کند که ازدواج کند. این جمله نامناسب است و بنابراین او صلاحیت انجام این کار را ندارد. همینطور در یک اجرا عرفی قابل قبول حکم گفته نشده است، درست است که این جمله در ازدواج گفته شده است، اما در عین حال چنین نبوده، مانند رها از ازدواج امتناع می‌کند، در حالی که شیخ منتظر قبولی بوده و گفت: (دخترم قبول داری؟)



ومادر اینجا این نصیحت را به دخترش بگوید، مناسب است، اما در غیر این صورت نامناسب است، بنابراین، مادر در احساسات و نیت خود صادق نبوده است. به همین دلیل است که می‌خواهد دخترش به خاطر ناموس و اتفاقی که برای دخترش توسط پسر عمویش افتاد، ازدواج کند. در نتیجه جمله نامناسب است.

"امیر \_ پس ما نماییم به شما ایشالله خوش بگذره" ( همان منبع: ۱۸) امیر در این جمله با پدر و مادر همسرش صحبت می‌کند و می‌گوید: ما به عروسی نیما، پسر عموی رها نمی‌آییم. این عبارت مناسب است، چون امیر وعده آمدن نداد، پس به همین دلیل است که او اجازه دارد تصمیم بگیرد، زیرا او شوهرش است و اوست که تصمیم می‌گیرد و دلیل نیامدنش این است که نیما در جشن عروسی آنها شرکت نکرده است. در نتیجه وقتی امیر گفت ما نمی‌آید یک عملی انجام داد، یعنی نیامد. در نهایت امیر در عروسی شرکت نمی‌کند و این عبارت مناسب است.

"من نمی‌خواستم یه اشتباه رو دوبار تکرار کنم، من قول دادم" (خلیلی، ۲۰۰۴: ۲۲) رها در این جمله اظهارات انشائی به خودش قول داده بود که اشتباه خود را تکرار نکند، و به خاطر درسرهایی که در گذشته برایش ایجاد کرده بود، وارد هیچ معامله‌ای نشود. پس او نمی‌خواست جواب پیام‌هایش را بدهد به همین دلیل به خودش قول داده بود که اشتباهش را تکرار نکند و با او وارد رابطه نشود. این فعل انشائی به این دلیل مناسب است که به نیما پاسخ نداد و با او برخورد نکرده است.

"صدای ناآشنایی بلند شد و گفت:

فقط با مرگ رها میشی

فقط با مرگ" ( همان منبع: ۲۸)

در این جمله اظهار انشا در حکم مرگ برای رها این است که این حکم نامناسب و ناقص است، در صورتی که این جمله توسط شخصی در مقامی گفته نشده باشد که گوینده بتواند حکم مرگ او را صادر کند، بلکه رها خواب بود. در حالی که اگر این جمله با عبارت خاصی مثلاً در دادگاه توسط قاضی یا شخصی که اجازه حکم دادن را دارد، مناسب و کامل است و در غیر این صورت نامناسب و ناقص است.

"رها باباجان تلفنی همیشه من خودم شب میام پیشت تا اون موقع هم استرس نداشته باش" (همان منبع، ۲۴) در این عبارت اجرایی، پدر به دخترش قول میدهد که در شب نزد او بیاید و مشکلی که نیما پسر عمویش، نزد امیر رفت و به او گفت که رها قبلاً با شخص دیگری نامزد کرده بود، را حل کند. اما زمانی که رها با پدرش در مورد این موضوع صحبت کرد، پدرش حرف‌هایش را باور نکرده بود ولی به او قول داد که به خانه‌اش برود. در نتیجه این عبارت مناسب نیست و ناقص است و آن چون پدر به نزد رها نیامد و به قولش عمل نکرد و در این صورت شرایط تشکیل فعل اجرایی ناقص را کرد و تمام اقدامات لازم برای آمدن به خانه رها را انجام نداد.

بررسی کنش‌های گفتار بیانی، غیر بیانی و پس بیانی در برخی از نمونه‌های رمان معلق بر طبق دیدگاه آستین.

"... اگه الان قبول نکنی وقتی که همه متوجه بشن اون موقع تمام روضنه‌های امیدت از بین میرن..." (خلیلی، ۱۴۰۰: ۷) در این جمله بالا مادر به دخترش می‌گوید "اگه الان قبول نکنی وقتی که همه متوجه بشن اون موقع تمام روضنه‌های امیدت از بین میرن..." مادر در اظهار این جمله نخست، واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده که آستین آن را به کنش بیانی واژه‌های معناداری تعبیر می‌کند. دوم، بارمعنایی این جمله، اخطار است؛ به گونه‌ای که قصد اظهار جمله به معنای انجام کنش گفتاری اخطار است. بنابراین رها با شنیدن این جمله از مادرش احساس ترس کرد. آستین این کنش را به کنش غیر بیانی تعبیر می‌کند. سوم، در نتیجه رها تحت تاثیر این پاره گفتار و تصمیم به ازدواج قرار گرفت. آستین این تاثیر را کنش پس بیانی نامیده است. "با صدای عاقد به خودم امدم عاقد \_ عروس خانم بنده وکیلیم؟

همه‌ی چشم‌ها میخ بود، همه منتظر جواب من بودن؛ سرمو به سمت بابا کردم که لبخند ژکوندی رو لباش بود من باید یک جوابی میدادم همه منتظر جواب من بودن، به خودم دلداری میدادم آروم باش رها، محکم باش، نترس جونی که تو تتم بود و صرف صدام کردم تا همه متوجه شن.. \_ بله" (خلیلی، ۱۴۰۰: ۹-۱۰) گوینده در اظهار این جمله نخست، واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده که آستین آن را به کنش بیانی واژه‌های معناداری تعبیر می‌کند. دوم، بارمعنایی این جمله، پذیرفتن است؛ به گونه‌ای که قصد اظهار جمله به معنای انجام کنش گفتاری پذیرفتن است. بنابراین رها با شنیدن این جمله از عاقد احساس ترس کرد. آستین این کنش را به کنش غیر بیانی تعبیر می‌کند. سوم، در نتیجه رها تحت تاثیر این پاره گفتار ازدواج پذیرفت کرد. آستین این تاثیر را کنش پس بیانی نامیده است.

"بابا \_ بخاطر همین که می‌خوام بری." (خلیلی، ۱۴۰۰: ۹) در جمله بالا پدر به دخترش می‌گوید: (بخاطر همین که می‌خوام بری) پدر در اظهار این جمله نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده است که آستین از آن به فعل کنش بیانی واژه‌های معنادار تعبیر می‌کند.

علاوه بر این، گوینده با اظهار این جمله امر کرده است؛ یعنی اظهار او حاوی بار محتوایی (امر) است، به گونه‌ای که نفس اظهار جمله - البته با قیود و شرایطی - به معنای انجام فعل گفتاری امر است. آستین از این فعل به فعل غیربیانی تعبیر می‌کند. در جمله یاد شده رها رفت، رها فعل سومی نیز انجام داده که عبارت است از تأثیری که بر رها گذاشته، که این تأثیر از سخن او ناشی شده است. آستین این تأثیر را فعل پس بیانی نامیده است.

"چطور دختر عمو زندگی به کام؟" (همان منبع: ۲۲) نیما این پیام را برای رها فرستاده بود و به او گفت (چطور دختر عمو زندگی به کام؟) نیما در اظهار این جمله، نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده که آستین آن را به کنش بیانی واژه‌های معناداری تعبیر می‌کند. دوم، نیما با اظهار این جمله سوال کرده است؛ یعنی اظهار او حاوی بار محتوایی (سوال) است. آستین این کنش را به کنش غیر بیانی تعبیر می‌کند. در جمله یاد شده رها ترسید، زیرا به این دلیل است که او به خاطر نیما که قبلاً مشکلات او را ایجاد کرده بود، می‌ترسید، رها فعل سومی نیز انجام داده که عبارت است از تأثیری که بر رها گذاشته که این تأثیر از سخن نیما ناشی شده است. آستین این تأثیر را کنش پس بیانی نامیده است.

"پاکتو باز کردم شروع کردم به کنکاج کردن برگه تو دستم مثبت بود..." (خلیلی، ۱۴۰۰: ۳۵) رها در این جمله برگه آزمایش را از آزمایشگاه دریافت کرده و او گفت: (پاکتو باز کردم شروع کردم به کنکاج کردن برگه تو دستم مثبت بود؛) رها در اظهار این جمله نخست واژه‌های معناداری اظهار کرده؛ یعنی فعلی انجام داده که آستین آن را به کنش بیانی واژه‌های معناداری تعبیر می‌کند. دوم، رها با اظهار این جمله خبر کرده است؛ یعنی اظهار او حاوی بار محتوایی (خبر) است. آستین این کنش را به کنش غیر بیانی تعبیر می‌کند. در جمله یاد شده رها شادی است، زیرا به این دلیل که رها که از این اثر خوشحال شده بود، کنش سوم را انجام داد که این تأثیر از سخن رها ناشی شده است. آستین این تأثیر را کنش پس بیانی نامیده است.

#### نتیجه‌گیری

- کنش‌های گفتاری از طریق تحلیل گفتمان رمان، در جهت دهی به قصد گفتار نقش دارند، زیرا درک خاصی را برای خواننده آشکار می‌کنند یا مقاصد و اهداف شخصیت‌ها را برجسته می‌کنند. کنش‌های گفتاری در رمان (معلق) به طور برجسته‌ای برای نشان دادن ابعاد کاربردشناسی متن به کار رفته است. این کنش‌ها به دستیابی به اهداف انجामी خاص کمک می‌کند، مانند تأثیرگذاری بر گیرنده یا هدایت درک او از متن است.

- کنش‌های گفتاری در رمان به سبک عامیانه نوشته شده‌اند، بنابراین نقش حیاتی در توسعه شخصیت‌ها و پیشبرد طرح رمان ایفا کرده‌اند. این کنش‌ها به طور قابل توجهی در ساخت شخصیت‌ها و روابط بین آن‌ها مشارکت داشته و به عنوان ابزار اصلی برای انتقال افکار و احساسات استفاده شده‌اند.

- نظریه کنش‌های گفتاری با تحلیل کنش‌های زیر به نمایان شدن بافت وضعیت کنونی و موقعیت اجتماعی طرفین ارتباط و گزارش در رمان معلق کمک کرد:

باستفاده از این عناصر و تجزیه و تحلیل آنها بر اساس نظریه آستین به درک چگونگی استفاده از زبان برای دستیابی به اهداف اجتماعی خاص و روشن شدن بافت اجتماعی برای طرفین ارتباط کمک کرد.

• بافت اجتماعی: این نظریه بافت اجتماعی را که گفتار در آن رخ می‌دهد، مانند رابطه بین گوینده و شنونده، مکان و زمان و آداب و رسوم اجتماعی در نظر می‌گیرد.

• کنش غیربیانی: اطلاق به عملی می‌شود که از راه خود گفتار انجام می‌شود، مانند قول یا عذرخواهی که به درک مقاصد گوینده و بافت گفتار کمک می‌کند.

• کنش پس بیانی (تأثیری): مربوط به تأثیری است که گفتار بر شنونده می‌گذارد، مانند متقاعد کردن یا برانگیختن او، که به توضیح چگونگی تأثیر گفتار بر روابط اجتماعی کمک می‌کند.

- کنش بیانی: عبارت است از تلفظ آواهای زبانی که با ساختار دستوری درستی سازماندهی می‌شوند که به معنای خاصی که همان معنای لغوی یا معنای اصلی فهمیده از ساختار است، می‌رسد و به آن اشاره می‌کند.

#### منابع فارسی

- الوت، نیکولاس. (۱۳۹۹). کلیدواژه‌های کاربردشناسی. ترجمه: مهرداد امیری/ بهداد امیری، چاپ اول، تهران: نشر نویسه پارسی.

## مجله الفارابی للعلوم الانسانية العدد (5) الجزء (1) أيلول لعام 2024

- چپمن، شیوان. (۱۳۹۸). معنی کاربردشناختی. ترجمه: محمد رضا بیاتی، چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- خلیلی، عطیه. (۱۴۰۰). رُمانِ معلق، چاپ اول، تهران: انتشارات منوچهری.
- سِرل، جان آر. (۱۳۸۷). افعال گفتاری. ترجمه: محمد علی عبد اللهی، چاپ دوم، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صفوی، کورش. (۱۴۰۱). در آمدی بر معنی شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر. صفوی، کورش. (۱۳۹۴). معنی شناسی کاربردی، چاپ سوم، تهران: انتشارات همشهری.
- عبداللهیان، حمید و باقری، علی اصغر. کنش های گفتاری پنج گانه در شعر «صدای پای آب» سپهری. در فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۵، شماره ۸۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- کاظمی، فروغ و جمشیدی، سپیده. (۱۳۹۵). نظریه کنش های گفتاری در فارسی و انگلیزی. تهران: نشر داستان.
- لطفی، سیدعبدالمجید طباطبایی و قاسمی، طاهره. (۱۳۹۳). بررسی و طبقه بندی خطبه های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه کنش گفتاری، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۹۳، صص ۹-۳۰.
- محمودزاده، کامبیز. (۱۳۹۴). فرهنگ زبان شناسی کاربردی، چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- پایان نامه ها.**
- فاروق، سارة رائد. (۲۰۱۹). افعال الكلام في الخطاب الشعري محمود درويش انموذجا. كلية العلوم الاسلامية، جامعة بغداد.